



آثار افراد می‌توان سیر تحول روحی آنان را مشاهده کرد و این مسئله‌ای است که در مورد شهرستانی نیز صادق است. ما در آخرین اثر او یعنی کتاب مفاتیح الاسرار که آن را در میانسالی و اوج پختگی عقلانی‌اش نگاشته، می‌بینیم که وی به‌رغم اینکه گویی گرایشی به مذهب خاصی ندارد، ولی در موارد متعددی ارادت و محبتش به شیعه و اهل بیت عیان است و می‌توان نتیجه گرفت که شهرستانی به سمت شیعه گرایش داشته است.

در ادامه نشست، حجت الاسلام ایازی، متخصص علوم تفسیری، به ایراد سخن پرداخت. وی ابتدا با اشاره به مباحث تفسیرپژوهی در چند دهه اخیر گفت: نقد و بررسی و تحلیل اندیشه‌ها و مبانی و روش‌های تفسیر در تفسیر مفسرین تأثیر بسزایی دارد.

به زعم وی از جمله جریان‌های مهمی که در این عرصه اتفاق افتاده، واردکردن اندیشه اجتماعی در مفاهیم قرآن است؛ مسئله‌ای که منجر به چالش‌های جدی در حوزه معرفت دینی گشته است.

ایازی در ادامه برکات نقد و بررسی تفاسیر را این گونه برشمرد:

۱. بررسی تفاسیر موجود ما را با سیر تطور تفاسیر و

شصت و نهمین نشست از سلسله نشست‌های مرکز پژوهشی میراث مکتوب به نقد و بررسی کتاب مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار تألیف محمدبن عبدالکریم شهرستانی (متوفی ۵۴۸ق) با تحقیق، تصحیح و تعلیقات دکتر محمدعلی آذرشب اختصاص داشت. این نشست عصر روز دوشنبه ۸۷/۱۰/۲ در محل مرکز برگزار شد و علاوه بر مصحح کتاب، حجت الاسلام سید محمدعلی ایازی و سیدمحمد عمادی حائری نیز در آن به ایراد سخن پرداختند.

در ابتدای نشست رئیس مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ضمن اشاره به اهمیت اثر و تقدیر از دکتر آذرشب، اظهار داشت که تصحیح نسخه منحصر به فرد و پراهمیت تفسیر شهرستانی، با تمام بدخوانی‌های آن، کاری بوده است صعب و پرخطر.

اکبر ایرانی در ادامه به بررسی عوامل مؤثر در شکل‌گیری دیدگاه و نحوه برداشت مفسران پرداخت و گفت: شرایط فرهنگی سیاسی و اجتماعی‌ای که هر فرد در آن زندگی می‌کند، در تعیین جهت اندیشه او دخالت دارد؛ تا جایی که انسان در طول زندگی با تغییر شرایط و درک عمیق‌تر مسائل، ممکن است دچار چرخش‌های فکری تعیین‌کننده‌ای شود. در این میان با بررسی سلسله



به عبارت دیگر حوزه تفسیری شهرستانی چنان رمزآلود نیست که نتوان بر آن استدلال کرد و قرینه یافت. وی در ادامه به جایگاه اهل بیت در تفسیر شهرستانی اشاره داشت و گفت: به عقیده من شهرستانی صرفاً یک محب اهل بیت (ع) نیست و شواهد زیادی در این کتاب وجود دارد که مؤید این مطلب است. و این موضوع می‌تواند یک کار پژوهشی جدی در بحث و بررسی عقاید شهرستانی باشد.



قرار بود این نشست با حضور دکتر توبی مایر از مؤسسه مطالعات اسماعیلیه برپا شود که متأسفانه ایشان موفق به شرکت در این جلسه چهره‌گشایی نشدند. از این‌رو از آقای عمادی حائری که از کارشناسان بخش پژوهشی مرکز هستند و روی متون تفسیری تحقیقاتی دارند، خواسته شد که از طرف آقای توبی مایر مقاله‌ای که ایشان به انگلیسی درباره مفاتیح‌الاسرار نوشته‌اند و در پایان کتاب چاپ شده است، بخش‌هایی از ترجمه فارسی آن را برای حاضران قرائت کنند.

سپس محمد عمادی حائری سخنان خود را با نقل قولی از زنده‌یاد محمدتقی دانش‌پژوه آغاز کرد و گفت: گرچه گفته‌اند شهرستانی سنی اشعری مذهب است، ولی او اسماعیلی باطنی‌گراست؛ هرچند تأویل نزد مکاتب گوناگون اسماعیلی اندکی با یکدیگر متفاوت است. در هر حالی که متکلمان فیلسوف مآبی مانند ابویعقوب سجستانی و ناصر خسرو بر آن‌اند که از ظاهر الفاظ نمی‌توان به باطن آیات رسید و حضور امام ضروری است؛ شهرستانی بر خلاف آنها چارچوبی برای تأویل به دست می‌دهد که به مدد آن بدون دسترسی به امام معصوم هم بتوان آیات قرآن را تأویل کرد.

فراز و نشیب‌های آن آشنا می‌کند.

۲. محتوای تفاسیر ما را با مذاهب و جریان‌های اعتقادی و کلامی آشنا می‌کند و بعضاً نشان می‌دهد که بسیاری از عقاید و انگیزه و خاستگاه‌های فکری برخی مفسران مدلل نیست.

۳. قرآن لایه‌های گوناگون دارد؛ آشنایی با روش‌های گوناگون تفسیر همچون تفسیر عرفانی، فلسفی یا اخلاقی به مدد بررسی تفاسیر گوناگون به دست می‌آید.

۴. آشنایی با تفاسیر گوناگون زمینه مباحثه میان تفاسیر و در نتیجه گشوده‌شدن راه‌های دیگر را فراهم می‌آورد. همچنین زمینه طرح عقاید علمی در جامعه دینی فرهنگ‌سازی و منجر به رشد جامعه بشری می‌شود.

۵. به یمن آشنایی با تفاسیر به ضعف و اشکالات تفسیرها توجه می‌شود.

۶. شرایط زمانی در امر تفسیر بسیار تعیین‌کننده است. آشنایی و بررسی تفاسیر این امکان را به مفسر می‌دهد که با نیاز مخاطبان امروز و کاستی تفسیرهای گذشته آشنا شود و به عبارتی تفسیر عصری ارائه دهد.

۷. فرهنگ ما سرشار از میراث غنی از گذشتگان است. افرادی چون شهرستانی را به واسطه نقد و بررسی آخرین آثارشان که دوره پختگی‌شان به نگارش درآمده می‌توان شناخت.

در ادامه ایازی به شرایطی اشاره کرد که به مدد آن می‌توان به شناخت بیشتر مفسر نایل شد و آن عبارت است از بررسی شخصیت و محیط خانوادگی، استادان و سیر و سفرهای یک مفسر.

وی گفت: در این میان شهرستانی که از خانواده گمنامی بوده با مطالعه جامع و آشنایی با مذاهب و ملل مختلف و برخورداری از روحیه تسامح و تساهل با نگاهی استعلایی با مسائل برخورد می‌کند.

ایازی هم چنین به نقطه عطف تاریخ زندگی شهرستانی اشاره داشت که دیدار با شخصی بوده (به زعم مایر احتمالاً حسن صباح) که گره‌های تفسیری او را گشوده تا جایی که عقیده و مذهب او را نیز تحت شعاع قرار داده است.

حجت‌الاسلام ایازی در ادامه به آثار اندکی اشاره داشت که به تفاسیر باطنی شهره‌اند. وی گفت: این آثار باطنی از باطنیه با کار شهرستانی تفاوتی جدی دارند.

عمادی حائری در ادامه به عقیده مایر، نویسنده انگلیسی‌زبان مقدمه کتاب مورد بحث (جلد دوم) اشاره کرد که معتقد است تفسیر شهرستانی یک نظام دوگانه یا مزدوج را عرضه می‌کند؛ و شهرستانی را نمی‌توان یک اسماعیلی صرف دانست، بلکه اندیشه او تلفیقی از اشعری‌گری و گرایش‌های کلام شیعی و فقه شافعی است.

به عقیده عمادی، ملل و نحل هرچند آخرین اثر شهرستانی است، ولی آینه تمام‌نمای عقاید او نیست؛ چون رسم بر آن بوده که نویسندگان ملل و نحل در نگارش خود موضع بی‌طرفانه‌ای اتخاذ کنند و به ذکر عقاید شخصی خود نپردازند.

سپس عمادی حائری خلاصه‌ای از ترجمه مقدمه مایر را به زبان فارسی برای حضار قرائت کرد.

در ادامه آخرین سخنران و مصحح اثر، دکتر محمدعلی آذرشب، سخنانش را با سپاس از استادان خود که وی را در این کار رهنمون بوده‌اند آغاز کرد.

آذرشب بخشی از کار تصحیح این اثر را ۲۷ سال پیش، ده سال قبل از انتشار نسخه عکسی نسخه تفسیری شهرستانی از سوی دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، به عنوان پایان‌نامه دانشگاهی، همراه با مقدمه‌ای مفصل که در کتاب کنونی مختصر شده، به انجام رسانده بود.

دکتر آذرشب ضمن اشاره به مغلوب‌بودن نسخه و قرائت دشوار آن، از مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی که این پروژه را به منظور آشتی‌دادن بین اهل تسنن و تشیع حمایت کرده است، قدردانی کرد.

مصحح اثر در ادامه به باطنی‌بودن یا اسماعیلی‌بودن شهرستانی اشاره داشت و گفت: از جمله علل گرایش به این موضوع که شهرستانی را اسماعیلی یا باطنی می‌دانند، این است که او مفاتیح‌الاسرار را نوشته است. به این معنی که دیگران «اسرار» را تنها در برابر «ظاهر» می‌فهمند، در حالی که شهرستانی در پی فهم ماورای معنای ظاهری کلمات قرآن به گونه‌ای که فراتر از کنایه و استعاره و تشبیه باشد، بوده است.

آذرشب در ادامه به بررسی سیر اندیشه و تفکر شهرستانی که در نهایت منجر به نگارش این اثر گشته پرداخت و گفت: شهرستانی با گذر از چند مرحله به پختگی رسیده است:

۱. ابتدا تلقی قرآن به صورت تلقی مجرد یعنی شنیدن تفاسیر قرآن از سوی اساتید بدون فکر و اندیشه به آن.

۲. رسیدن به مرحله تفکر و اندیشیدن به این موضوع که ماورای الفاظ ظاهری می‌بایست معنایی بزرگتر نهفته باشد.

۳. سرکشی در تفاسیر موجود با هدف فهم معانی و مشاهده این مسئله که در میان گوهرهای فراوان قرآن مفسرین تنها به دنبال یک گوهر رفته‌اند.

۴. جستجوی گوهرهای قرآن با تکیه بر حکمت و فلسفه و در نهایت رسیدن به این نتیجه که حکمت و فلسفه را در این مسیر فایده‌تی نیست.

۵. سرانجام متوسل شدن به سفینه‌ای که میان اهل تسنن و تشیع معروف است؛ با هدف دستیابی به مفاهیم و گوهرهای قرآن. در این میان شهرستانی این سفینه را قدری معیوب می‌بیند و برای رفع این کاستی به جستجوی شخصی می‌رود که علوم اهل بیت را به او بیاموزد. آن شخص را می‌یابد و علوم را فرا می‌گیرد و متوجه می‌شود که تمام آنچه تا آن روز پیموده گمراه کننده بود جز آنچه که دستاویز امروز اوست.

وی ادامه داد: حال این مفاتیح و کلیدها چیست؟

۱. مفتاح اول: معانی دقیق قرآن درک نمی‌شوند مگر با هدایت مصابیح ابرار که همان اهل بیت علیهم‌السلام‌اند.
۲. اینکه برای فهم عمومیات قرآن به تخصیص آن می‌پردازیم کافی نیست. به زعم شهرستانی علاوه بر تخصیص کلی باید تخصیص خاص هم باشد تا به فهم دقیق معانی نایل آییم. مثلاً ببینیم که یک معنای خاص در چه اشخاص متجلی است. به عبارت دیگر باید برای تخصیص‌ها الگویی یافت تا به مدد الگو به درک معنا رسید.

۳. در جهان دو جهان است. جهان کامل و پایان یافته که مفروغ است و جهانی که باید متکامل شود که مستألف است. توجه به این مسئله نتایج زیادی بر فهم قرآن دارد.

۴. خلق و امر. خلق آفرینش است و امر هدایت شریعت. آفرینش طبیعت با هدایت شریعت توأم‌اند. این نیز کلید دیگری است برای شهرستانی در تفسیر آیات قرآن.

دکتر آذرشب سپس سخنان خود را متوجه سبک



نیشابور درس خواند و در نظامیه بغداد درس داد و در خوارزم مجلس به پا کرد که این نشان از ارتباط و پیوند میان اهل علم در آن روزگار دارد و می‌تواند متذکر نیاز امروز ما برای وحدت تمدنی جهان اسلام باشد.

آذرشب در ادامه جرئت و جسارت علمی شهرستانی را ستود و گفت: بعد از ابن سینا گویی جریان پویایی علمی متوقف شد و همگان درصدد حاشیه و شرح عبارات ابن سینا بودند. شهرستانی خواست که این دیوار را بشکنند. او خود اذعان دارد که هم‌اورد ابن سینا نیست، ولی می‌خواهد راه علم گشوده بماند و فرهنگ اسلامی پویایی خود را حفظ کند.

مصحح اثر در پایان گفت: شهرستانی مجتهد و امام عصر خویش بود؛ یعنی در اصول و فروع پیرو کسی نبود و خود مکتبی مستقل داشت. او دنباله‌رو مکتب محمدی(ص) بر اساس قرآن و سنت است و به اهل بیت(ع) عشق می‌ورزد.

نگارش کتاب کرد و گفت: شهرستانی به زبان عربی و فارسی کاملاً مسلط است و این در حالی است که زبان عربی او تحت تأثیر زبان فارسی قرار گرفته و منجر به پدید آمدن سبک جدیدی شده است. از این رو جای آن دارد این کتاب از لحاظ سبک‌شناسی نیز مورد بررسی قرار گیرد. وی در ادامه به تنها متن فارسی از شهرستانی اشاره کرد که با عنوان مجلس مکتوب موجود است. او این مجلس را به عربی ترجمه کرده و از آنجا که آن را مکمل تفسیر شهرستانی دیده، به آخر این کتاب اضافه کرده است.

آذرشب ادبیات این مجلس را از جمله زیباترین آثار به زبان فارسی دانست، به ویژه در جاهایی که تلفیق میان زبان فارسی و عربی صورت گرفته است.

استاد دانشگاه تهران همچنین با الهام از ادبیات و البته عصر شهرستانی، وی را یادآور مسئله مهم «وحدت تمدنی جهان اسلام» دانست و گفت: شهرستانی در نظامیه

نسخه‌برگردان‌های آماده چاپ در سال ۱۳۸۸

الابینه عن الحقایق الادویه، تألیف موفق‌الدین ابومنصور علی هروی، با مقدمه ایرج افشار، علی‌اشرف صادقی، محمود امیدسالار (انگلیسی)، برت گ. فراگنر (انگلیسی)، اوا اربلیش.
علی‌نامه، ناشناخته (متخلص به ربیع)، با مقدمه محمدرضا شفیعی کدکنی، محمود امیدسالار.
نهج‌البلاغه، با مقدمه سید محمد مهدی جعفری.
الوحشیات، تألیف ابوتمام، با مقدمه احمد مهدوی دامغانی و محمدرضا ابویی مهریزی.

اصلاح و پوزش:

در شماره گذشته نام آقای سیدحسین مرعشی نویسنده گزارش «روز مطالعات بین‌المللی اسناد و تاریخ» (صفحات ۸۶ تا ۸۸) از قلم افتاده بود که بدین وسیله تصحیح می‌شود.